

## راهبری شرکتی سبز با رویکرد اسلامی

میترا پورمحمدیان<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

### چکیده

راهبری شرکتی سبز شامل اقداماتی برای کاهش آلودگی، حفظ تنوع زیستی، ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی است. بنابراین، راهبری شرکتی سبز به عنوان یک سیستم حاکمیتی در نظر گرفته می‌شود که تأثیرات اکولوژیکی فعالیت‌های انسانی را در نظر می‌گیرد و هدف آن تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی است. مفهوم راهبری شرکتی سبز از دیدگاه اسلام با تعریف سنتی آن که اشاره به نظامی دارد که توسط آن، "شرکت‌ها با قصد دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده‌ی شرکت از طریق حفاظت از تمامی حقوق و منافع ذینفعان، هدایت و کنترل می‌شوند، تفاوت زیادی ندارد. حاکمیت شرکتی سبز اسلامی، ویژگی‌های ممتازی در مقایسه با نظام سنتی ارائه می‌کند. این الگو به یک تئوری تصمیم‌گیری وسیع‌تر اشاره دارد که از اساس معرفت‌شناسی اجتماعی - علمی اسلامی استفاده می‌نماید و در آن یکتایی خداوند مفروض است. اسلام در روش معرفتی، عقلانیت و خردگرایی را به عنوان معرفت راهبری شرکتی شرعی رد کرده و معرفت توحید یا وحدانیت الله را جایگزین آن کرده است.

### واژگان کلیدی

راهبری شرکتی، راهبری شرکتی سبز، محیط زیست، رویکرد اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.

## ۱. مقدمه

گزارش براندتلند<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل مطرح منتشر شد، خواستار رویکرد جدیدی در توسعه است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود تأمین کند. به دنبال مطرح شدن این مفهوم و به ویژه از دهه ۱۹۹۰ دولت‌ها توجه بیشتری به موضوع حفاظت از محیط زیست و بوم‌شناسی کردند و مفهوم "مدیریت سبز" را در برای ایجاد "دولت سبز" به منظور مبارزه با مشکلات جدی و فوری زیست محیطی مطرح نمودند؛ که در نتیجه آن تمام بخش‌های جامعه در تلاش برای ساخت یک "جامعه سبز" و در نهایت دست یابی به "راهبری سبز" به هم پیوند داده می‌شوند. بنابراین، اصل مفهوم راهبری سبز در جهت تعادل بهتر، در رابطه بین طبیعت و جامعه انسانی و ارتقای هماهنگی بین این دو، مطرح شده و شکل گرفت (لیو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۱).

در چند دهه گذشته راهبری سبز به عنوان یک جزء حیاتی توسعه پایدار مطرح شده است. در سپتامبر ۲۰۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار را تصویب کرد که شامل ۱۷ هدف توسعه پایدار است. این اهداف طیف وسیعی از موضوعات از جمله کاهش فقر، برابری جنسیتی و حفاظت از محیط زیست را در برمی‌گیرد و چارچوبی برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم می‌کند. راهبری سبز به عنوان یک عنصر کلیدی در دستیابی به بسیاری از این اهداف، به ویژه اهداف مرتبط با پایداری محیطی شناخته می‌شود (برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). این مفهوم شامل ادغام نگرانی‌های زیست محیطی در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در تمام سطوح دولت، از محلی گرفته تا ملی و بین‌المللی، است. همچنین، شامل اقداماتی برای کاهش آلودگی، حفظ تنوع زیستی، ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی است. بنابراین، راهبری سبز به عنوان یک سیستم حاکمیتی در نظر گرفته می‌شود که تأثیرات اکولوژیکی فعالیت‌های انسانی را در نظر می‌گیرد و هدف آن تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی است (رانا و پائول<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). یکی از نمونه‌های راهبری سبز در عمل، قرارداد سبز اتحادیه اروپا است. این چارچوب قصد دارد با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر و تغییر اقتصاد از طریق سرمایه‌گذاری‌های پایدار و نوآوری، اتحادیه اروپا را تا سال ۲۰۵۰ به یک کشور سازگار با محیط زیست تبدیل کند (کمیسیون اروپا<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). همچنین، تسهیلات جهانی محیط زیست، که یک مؤسسه مالی بین‌المللی است و برای پروژه‌های زیست محیطی به کشورهای در حال توسعه کمک مالی می‌کند، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از راهبری سبز در نظر گرفته شود (تسهیلات جهانی محیط زیست<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲).

در نظام اقتصادی اسلامی، ذینفع اصلی "اسلام" است که به دنبال حمایت از حقوق تمامی ذینفعان بوده و نظام اقتصاد اسلامی همواره به تشویق تجارت در چارچوب شرع و گفتارهای خداوند و وحی به پیامبر □ پرداخته است. در محیط اقتصادی منشعب از اصول تجارت اسلامی ایران، راهبری شرکتی سبز یک مفهوم برگرفته از اصول و الگوهای موجود بین‌المللی تصور می‌شود که در آن قوانین تجارت اسلامی با ساختاری متشکل از اصول و مبانی اخلاقی و عدالت محور با نظارتی اسلامی و در جهت پاسخگویی به مالک اصلی (خداوند) و کلیه ذینفعان نادیده گرفته شده است که با توجه به

<sup>1</sup> Brundtland

<sup>2</sup> Liu

<sup>3</sup> United Nations Development Programme

<sup>4</sup> Rana & Paul

<sup>5</sup> European Commission

<sup>6</sup> Global Environmental Facility

ترجمه‌ای بودن متون مرتبط با راهبری شرکتی سبز بدون لحاظ نمودن بسترهای مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، برخلاف انتظارات نمی‌تواند مشکلات نمایندگی را در ایران کاهش دهند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰). به طور کلی بر اساس موارد پیش گفته ضرورت نگرشی جامع و نظام‌مند به موضوع راهبری شرکتی در اقتصاد اسلامی بسیار دارای اهمیت است؛ اما تاکنون پژوهشی جامع که راهبری شرکتی را با اصول و موازین اسلامی مطابقت داده باشد، محدود است، لذا در این پژوهش راهبری شرکتی سبز را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۱-۲- مفهوم و نظریه‌های راهبری شرکتی

مفهوم راهبری شرکتی<sup>۱</sup> دامنه وسیع‌تری دارد و حوزه کسب و کار که مسئولیت پاسخگویی مدیریتی، ساختار هیأت مدیره و حقوق سهامداران را در بر می‌گیرد. موضوع "راهبری" یا "حاکمیت" با شروع شرکت‌ها آغاز شد. مفهوم راهبری شرکتی برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ توسط ریچارد ایلز<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان "ساختار و عملکرد سیاست شرکتی" برجسته شد، جایی که او چگونگی تأثیر هزینه نمایندگی بر منابع مالی و چگونگی کاهش این اثر منفی را مورد بحث قرار داد. تا سال ۱۹۷۰ مفهوم راهبری شرکتی گیج‌کننده بود اما در عرض ۲۵ سال این سیستم جذابیت زیادی پیدا کرد و اکنون این موضوع در تجارت و همچنین محیط ادبی مورد بحث است. اصطلاح حاکمیت شرکتی اولین بار در ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفت، جایی که تعادل بین قدرت و منافع به موضوع اصلی مورد بحث تبدیل شد. پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده رشد اقتصادی قوی را تجربه کرد، شرکت‌ها در حال رشد و افزایش بودند، مدیران به شدت تحت تأثیر انتخاب مدیران هیأت مدیره قرار گرفتند و اوضاع شروع به تغییر کرد. در سال ۱۹۷۶، اصطلاح "راهبری شرکتی" برای اولین بار در محیط تجاری ظاهر شد، جایی که کمیسیون بورس و اوراق بهادار<sup>۳</sup> مقرر کرد که هر شرکتی یک کمیته حسابرسی متشکل از همه مدیران مستقل هیأت مدیره داشته باشد. در دهه ۱۹۸۰ تمرکز بر اصول راهبری شرکتی قرار گرفت، و بیشتر تمرکز اولیه بر هیأت مدیره بود، جایی که به آنها حقوق و قدرت بیشتری در مسائل حاکمیتی داده شد. این اصول ابتدا توسط اکثریت نهادهای نظارتی قانون و علمای اقتصاد مورد انتقاد قرار گرفت اما بعداً این اصول در سال ۱۹۹۴ تصویب و منتشر شد (یونس، ۲۰۲۲).

پس از رسوایی‌های مالی بزرگ در سال ۲۰۰۲ سازمان‌های بزرگی مانند انرون<sup>۴</sup> و ورلد کام<sup>۵</sup>، توجه به حاکمیت شرکتی بسیار بیشتر شد. توجه به راهبری شرکتی به طور گسترده در میان متخصصان و دانشگاهیان معطوف شده است. بسیاری از نهادهای نظارتی اصول و قوانین حاکمیت شرکتی را صادر و تجدید نظر کردند. اصول اولیه چنین قوانین و اصولی منجر به تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی بر سازمان می‌شود. در نتیجه رسوایی‌های بزرگ شرکتی، گام‌های عمده‌ای توسط دولت‌ها و نهادهای حرفه‌ای برای تقویت نظارت بر عملکرد شرکت توسط آژانس‌های خارجی مانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده برداشته شده است. ایالات متحده همچنین قانونی به نام قانون (SOX)<sup>۶</sup> را در سال ۲۰۰۲ تصویب کرد. در

<sup>۱</sup> Corporate Governance

<sup>۲</sup> Richard Eells

<sup>۳</sup> Securities and Exchange Commission (SEC)

<sup>۴</sup> Younas

<sup>۵</sup> Enron

<sup>۶</sup> WorldCom

<sup>۷</sup> Sarbanes-Oxley

انگلستان، از اوایل دهه ۱۹۹۰، سیستم حاکمیت شرکتی مشابهی به نام گزارش کدبری<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) تکامل یافته است. بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> نیز کدهای راهبری شرکتی خاص خود را تولید کردند. همچنین یک نهاد داوطلبانه خصوصی تحت حمایت چندین نهاد حسابداری حرفه‌ای به نام کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی<sup>۳</sup> وجود دارد که راهنمایی‌هایی در مورد راهبریب شرکتی و اخلاق تجاری ارائه می‌کند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اولین سازمانی بود که کد بین‌المللی اصول حاکمیت شرکتی را ارائه کرد که در سال ۱۹۹۹ صادر شد و در سال ۲۰۰۴ و سال ۲۰۱۴ بازنگری شد. اصول توسعه یافته توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تأیید شده است. اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی دستورالعمل‌هایی را در مورد شیوه‌های راهبری شرکتی بدون تحمیل هیچ گونه تعهدی بر سازمان‌های عضو ارائه می‌دهد. اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با به رسمیت شناختن حقوق همه ذینفعان، دامنه راهبری شرکتی را غنی می‌کند. این اصول بر جدایی مالکیت از کنترل تمرکز دارند (یونس، ۲۰۲۲).

راهبری شرکتی عبارت است از مجموعه قوانینی که رابطه بین ذینفعان، مدیریت و هیأت مدیره یک شرکت را تعریف می‌کند و بر نحوه عملکرد آن شرکت تأثیر می‌گذارد. در ابتدایی‌ترین سطح خود، حاکمیت شرکتی با مسائلی سر و کار دارد که ناشی از جدایی مالکیت و کنترل است. اما حاکمیت شرکتی فراتر از ایجاد یک رابطه روشن بین سهامداران و مدیران است. حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان است. حاکمیت شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف شرکت تعیین می‌شود و ابزار دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. فدراسیون بین‌المللی حسابداران<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) راهبری شرکتی را چنین تعریف کرده است: راهبری شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است (حساس یگانه، ۱۳۸۵). راهبری شرکتی سیستمی از قوانین، سازوکارها و مقرراتی است که کسب و کارها از طریق آن اداره و کنترل می‌شوند. اساساً، راهبری شرکتی شامل ایجاد تعادل بین منافع سهامداران، مانند سهامداران، مدیران، مشتریان، تأمین کنندگان، تأمین کنندگان مالی، دولت‌ها و جامعه است. راهبری شرکتی همچنین اصولی را برای دستیابی به اهداف شرکت ایجاد می‌کند و تمامی حوزه‌های حاکمیتی از برنامه‌های اجرایی و فرآیندهای کنترل داخلی گرفته تا اندازه‌گیری عملکرد، امور عمومی و افشای اطلاعات شرکت را پوشش می‌دهد (تی و فونگ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱).

### نظریه‌های راهبری شرکتی

**نظریه‌ی نمایندگی:** این نظریه به عنوان پایه اساسی برای سایر نظریه‌های مرتبط با راهبری شرکتی در نظر گرفته می‌شود. این نظریه بر ماهیت رابطه قراردادی بین سهامداران و مدیریت تمرکز دارد. بر اساس این نظریه، کار سهامداران به عنوان اصلی و مدیریت به عنوان عامل مالکان در نظر گرفته می‌شود. سهامداران علاقه‌مند به افزایش ثروت خود هستند در حالیکه مدیران برای سهامداران کار می‌کنند، اما اولویت آنها افزایش غرامت است نه ثروت سهامداران. بنابراین، تضاد

<sup>1</sup> Cadbury

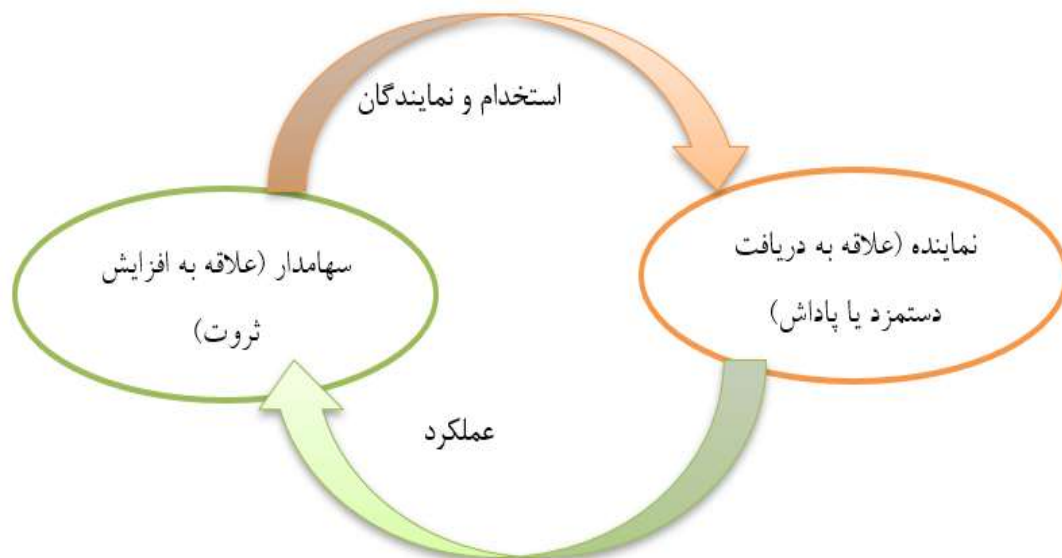
<sup>2</sup> Organisation of Economic Cooperation and Development (OECD)

<sup>3</sup> Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO)

<sup>4</sup> International Federation of Accountants (IFAC)

<sup>5</sup> Thi & Phung

منافع به وجود می‌آید و این امر باعث ایجاد مشکل نمایندگی در رابطه اصیل و نماینده می‌شود. نظریه نمایندگی ریشه در نظریه اقتصادی دارد که توسط آدام اسمیت<sup>۱</sup> (۱۷۷۶) ارائه شده است. اولین بار جداسازی مالکیت از کنترل توسط آدام اسمیت مورد بحث قرار گرفت، او پیشنهاد کرد مدیری که تمام فعالیت‌های شرکت را کنترل می‌کند علاقه زیادی به تجارت نخواهد داشت زیرا پول خود را سرمایه‌گذاری می‌کند و به برخی سهل‌انگاری‌ها اشاره کرد. بعدها، نظریه نمایندگی توسط جنسن و مک‌کلینگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) توسعه یافت که نظریه نمایندگی را به عنوان قراردادی بین مالکان و مدیریت تعریف کردند. علاوه بر این، اطمینان از اینکه آیا نماینده به نفع اصلی عمل می‌کند یا خیر. این مبتنی بر دلایل تضاد منافع ذاتی بین نماینده و مدیر است. علاوه بر این، تعارض بین مدیریت و سهامداران نیز ممکن است به دلیل موضوع عدم تقارن اطلاعاتی رخ دهد (یونس، ۲۰۲۲). شکل ۱ مدل نمایندگی را توضیح می‌دهد:



شکل ۱- مدل تئوری نمایندگی

منبع: یونس (۲۰۲۲)

محققان و اقتصاددانان مختلف مشکلات نمایندگی را به سه نوع دسته بندی کردند. اولین نوع مشکل به عنوان مشکل عامل اصلی شناخته می‌شود، این مشکل با فعالیت یک شرکت بزرگ شروع شد. جایی که سهامداران، مدیران را برای مدیریت شرکت انتخاب می‌کنند، اما مدیران بیشتر به حداکثر رساندن دارایی خود به جای منافع مالکان علاقه‌مند هستند. مشکل دوم به عنوان مشکل اصلی نامگذاری شده است. این مشکل بین سهامداران عمده و خرد شرکت‌ها وجود دارد. از آنجایی که مالکان اصلی دارای قدرت رأی بالایی هستند، بنابراین می‌توانند در فرآیند تصمیم‌گیری به نفع خود، شرکت کنند. مشکل نوع سوم مشکل اصلی - بستانکار است، این مشکل، درگیری بین مالکان و بستانکاران به دلیل تصمیم‌گیری تأمین مالی پروژه‌های با ریسک بالا وجود دارد (یونس، ۲۰۲۲).

به طور کلی، نظریه نمایندگی بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران متمرکز است، جایی که آنها سعی می‌کنند با قربانی کردن منافع سهامداران، منافع خود را در اولویت قرار دهند. در نتیجه، هزینه‌های حل مشکلات نمایندگی افزایش می‌یابد زیرا تحت مکانیسم حاکمیت شرکتی باید اقدامات متعددی از جمله ایجاد کمیته‌های متعدد توسط هیأت مدیره انجام شود.

<sup>1</sup> Adam Smith

<sup>2</sup> Jensen and Meckling

هیأت مدیره نقش اساسی در نظارت بر عملکرد مدیران و همسویی منافع هر دو طرف دارد. کمیته حسابرسی به عنوان نماینده هیأت مدیره به عنوان مکانیزم نظارتی برای کنترل فعالیت‌های مدیریت و مطابقت با نیازهای سهامداران فعالیت می‌کند. علاوه بر این، تئوری نمایندگی ادعا می‌کند که انتصاب مدیران مستقل کلید عملکرد مؤثر و کارآمد مدیریت است. علاوه بر این، محققان پیشنهاد می‌کنند که طرح‌های انگیزشی مبتنی بر عملکرد به انگیزه مدیران برای به حداکثر رساندن ثروت و کاهش شانس رفتار فرصت طلبانه مدیران کمک می‌کند (یونس، ۲۰۲۲).

**نظریه سهامداران:** نظریه سهامداران گسترش یافته‌ی نظریه نمایندگی است. استدلال می‌شود که نظریه نمایندگی دامنه محدودی دارد زیرا فقط منافع سهامداران را مشخص می‌کند. تئوری ذینفعان پیشنهاد می‌کند که یک شرکت باید برای همه ذینفعان ارزش ایجاد کند، نه فقط سهامداران. با این حال، دامنه تئوری سهامداران گسترده‌تر در نظر گرفته می‌شود زیرا نقش راهبری شرکتی را پوشش می‌دهد (یوسف و الحاجی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). این نظریه مبتنی بر این باور است که مدیران باید به نفع همه ذینفعان کار کنند و هیأت مدیره باید بر عملکرد مدیران نظارت کند. فریمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) استدلال کرد که یک ذینفع به عنوان یک سازمان یا هر فردی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند تصمیمات سازمان را تحت تأثیر قرار دهد یا تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سازمان قرار گیرد. با گذشت زمان، دیدگاه‌ها و اصلاحات مختلفی تحت تئوری ذینفعان قرار گرفت و دامنه این نظریه گسترده‌تر می‌شود، بنابراین همه اعضای جامعه‌ای که کسب و کار در آن فعالیت می‌کند، کارگران شرکت‌ها، تأمین‌کنندگان مواد خام، جامعه محلی و رقبا به عنصر مهمی از نظریه سهامداران تبدیل می‌شوند (فریمن و همکاران، ۲۰۰۴).

تئوری ذینفعان تصریح می‌کند که یک شرکت برای بهبود و متعادل کردن منافع چند ذینفع خود به گونه‌ای کار می‌کند که هر ذینفع سطحی از غرامت دریافت کند. پیشنهاد می‌شود که یک شرکت دیگر مسئولیت انحصاری ندارد، بلکه یک شرکت باید به منافع جامعه در کل توجه کند. بنابراین، نظریه ذینفعان دامنه بسیار گسترده‌تری از حاکمیت شرکتی را ارائه می‌دهد. با این حال، ذینفعان شرکت شامل کارکنان، مشتریان، وام‌دهندگان، تأمین‌کنندگان، رقبا، سهامداران، سرمایه‌گذاران، دولت‌ها، بانک‌ها و جامعه است (بارنی و هریسون<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). در محیط کسب و کار کنونی نه تنها مالکان یا سهامداران بیشتر به موفقیت کسب و کار علاقه مند هستند، بلکه تأمین‌کنندگان، اعتباردهندگان، کارمندان، سرمایه‌گذاران بالقوه، سازمان‌های دولتی و نظارتی، جامعه محلی، وام‌دهندگان، انجمن‌های تجاری و عموم مردم به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت‌های تجاری علاقه دارند. این مفهوم، نظریه سهامداران را به جایگاه برجسته‌تری می‌رساند، جایی که همه منافع ذینفعان در نظر گرفته شده و تأیید شده است. این نظریه به برخورد با همه ذینفعان بر مبنای منصفانه‌تر اشاره دارد (هریسون<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). شکل ۲ ذینفعان مختلفی را توضیح می‌دهد که می‌توانند تصمیمات سازمان را تحت تأثیر قرار دهند.

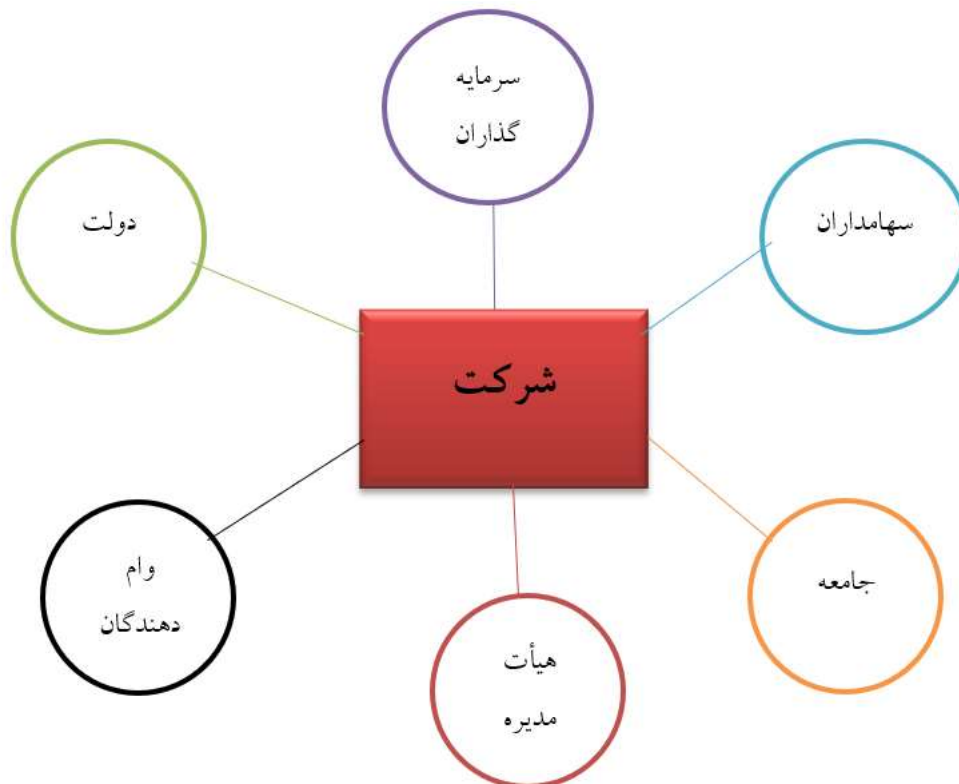
بعداً، نظریه سهامداران مورد انتقاد قرار گرفت زیرا عملکرد یک شرکت تنها با سود سهامداران آن اندازه‌گیری نمی‌شود و نباید آن را اندازه‌گیری کرد. در حین مطالعه عمیق تئوری‌های راهبری شرکتی، نظریه ذینفعان جایگاه برجسته‌ای را اشغال می‌کند زیرا ادعا می‌کند که منافع همه ذینفعان را در فرآیند حاکمیت خود برآورده می‌کند (یونس، ۲۰۲۲).

<sup>1</sup> Yusoff & Alhaji

<sup>2</sup> Freeman

<sup>3</sup> Barney & Harrison

<sup>4</sup> Harrison

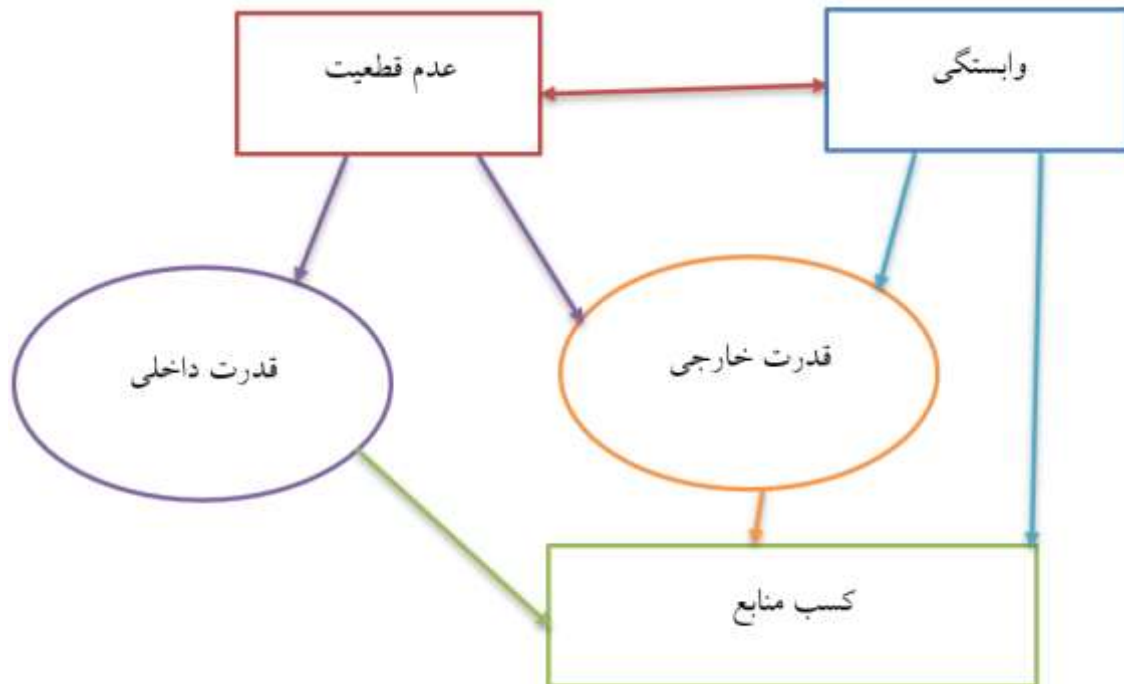


شکل ۲- مدل تئوری سهامداران

منبع: یونس (۲۰۲۲)

**نظریه وابستگی به منابع:** هم تئوری ذینفعان و هم تئوری نمایندگی بر مدیران و گروه‌های مختلف روابط افراد متمرکز است، در حالیکه نظریه وابستگی به منابع، دسترسی به منابع را جنبه‌ای حیاتی از بحث راهبری شرکتی معرفی می‌کند. نظریه وابستگی به منابع مطالعه چگونگی تأثیر منابع محیطی خارجی سازمان‌ها بر رفتار سازمان است. گزاره اساسی این نظریه مبتنی بر ایجاد پیوند بین شرکت و محیط خارجی است، مدیران مسئول هستند که روندهای متغیر محیط را با قابلیت‌های شرکت مطابقت دهند (یوسف و الحاجی، ۲۰۱۴).

تئوری وابستگی به منابع، نقش هیأت مدیره را که آنها در کسب و تامین منابع حیاتی شرکت از طریق پیوند آنها با محیط خارجی ایفا می‌کنند، برجسته می‌کند. بنابراین، هیأت مدیره انواع مختلفی از منابع مانند مهارت‌ها، اطلاعات، مواد خام را به ارمغان می‌آورد و از تخصص خود برای ارتباط تجارت با منابع استفاده می‌کند. بر اساس این مفهوم، هیأت مدیره به عنوان یک منبع کلیدی در نظر گرفته می‌شود که سازمان را به محیط خارجی متصل می‌کند و منابع را در اختیار شرکت قرار می‌دهد. در نتیجه، عملکرد یک کسب و کار به شدت به قدرت هیأت مدیره برای کسب و تامین منابع کمیاب وابسته است. تئوری وابستگی به منابع بر نقش مدیرانی که در تامین منابع ضروری برای سازمان از طریق پیوندهایشان با محیط خارجی ایفا می‌کنند، تمرکز دارد. منابع به اطلاعات، مهارت‌ها و دسترسی به اجزای کلیدی اشاره دارد. تنوع اعضای هیأت مدیره به عنوان عنصر مهمی در نظر گرفته می‌شود که منجر به توانایی هیأت مدیره برای اتصال شرکت با بهترین منابع و عملکرد مالی بالای کسب و کار می‌شود (یونس، ۲۰۲۲). شکل ۳ نظریه وابستگی به منابع را نشان می‌دهد:



شکل ۳- مدل تئوری وابستگی به منابع

منبع: یونس (۲۰۲۲)

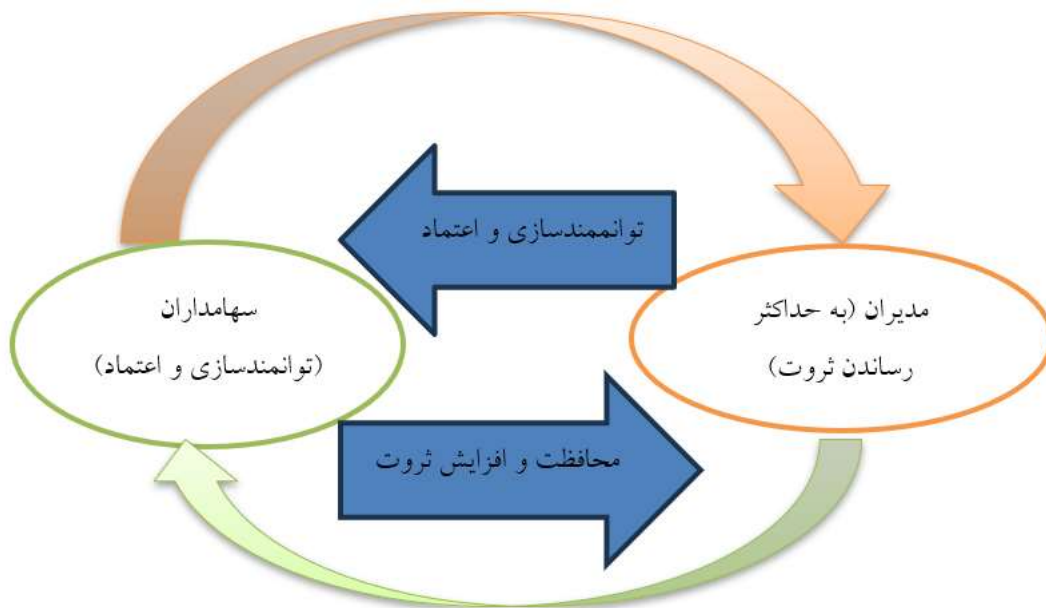
**نظریه مباشرت:** نظریه مباشرت یک نظریه مهم راهبردی شرکتی است که فرض می‌کند مدیران باید به عنوان مباشر کار کنند. نظریه مباشرت توسط دونالدسون و دیویس<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و دونالدسون و دیویس (۱۹۹۳) ایجاد شده است. برخلاف تئوری نمایندگی، نظریه مباشرت دیدگاه متفاوتی از مدیریت ارائه می‌کند، که در آن مدیران مباشری در نظر گرفته می‌شوند که به نفع سهامداران عمل می‌کنند (کریسمن، ۲۰۱۹).

مبانی نظریه مباشرت بر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی استوار است. این نظریه فرض می‌کند که مدیران همیشه به نفع شرکت کار می‌کنند، آنها از سهامداران محافظت کرده و سود می‌برند. موفقیت شرکت کاملاً تعهد مدیریت را در بر می‌گیرد و هنگامی که ثروت سهامداران به حداکثر برسد، مباشران نیز از نظر پاداش سود می‌برند (یوسف و الحاجی، ۲۰۱۴).

ویژگی منحصر به فرد نظریه مباشرت، غنی‌سازی اعتماد به مدیران است که در دیدگاه نظریه نمایندگی وجود ندارد. نظریه ذینفعان فرض می‌کند که مدیران داخلی اطلاعات بیشتری در مورد عملکرد و عملیات تجاری در مقایسه با مدیران خارجی دارند. علاوه بر این، نظریه سهامداران فرض می‌کند که مدیران با اتخاذ تصمیم درست برای افزایش ثروت سهامداران، از منافع سهامداران محافظت و محافظت می‌کنند. برخلاف نظریه نمایندگی، نظریه مباشرت بر این باور است که مدیران و مدیران داخلی بهتر است به نفع سهامداران کار کنند (یونس، ۲۰۲۲). تئوری مباشرت بر این فرض استوار است که سهامداران قدرت و اعتماد بیشتری به مدیران (مباشر) می‌دهند و در عوض مدیران ثروت خود را به حداکثر می‌رسانند (یوسف و الحاجی، ۲۰۱۴). در نتیجه این نظریه، سهامداران از سود و بازده بیشتری در سرمایه‌گذاری خود برخوردار می‌شوند و مدیران قادر به دستیابی به پاداش‌های درونی و بیرونی خواهند بود. این نظریه رابطه مثبت بین سهامداران و مدیریت را به تصویر می‌کشد که یکی از الزامات عملکرد خوب حاکمیت شرکتی است. تأکید اولیه نظریه مباشرت این

<sup>1</sup> Donaldson and Davis

است که بفهمیم چگونه مدیران می‌توانند برای کمک به دستیابی به اهداف تجاری انگیزه داشته باشند. بنابراین، این نظریه مبتنی بر همسوسازی منافع مدیران (نمایندگان) و سهامداران (اصول) است (یونس، ۲۰۲۲). شکل ۴ مدل تئوری ذینفعان را توصیف می‌کند:



شکل ۴- مدل تئوری مباشرت

منبع: یونس (۲۰۲۲)

## ۲-۲- راهبری شرکتی سبز

راهبری سبز ریشه در جنبش سبز در کشورهای غربی دارد. مفهوم راهبری سبز در چین از «ساخت جامعه متمدن بوم‌شناختی» به «توسعه جامع، هماهنگ و پایدار» و اکنون به «آب سبز و کوه‌های سبز کوه‌های طلایی و کوه‌های نقره‌ای هستند» تکامل یافته است. تئوری‌ها دائماً در حال توسعه هستند و مفاهیم عمیق‌تر می‌شوند. شرکت‌ها به عنوان موضوعات مهم در حکمرانی سبز، بازیگران کلیدی در فرآیند راهبری هستند. تأثیر اجرای راهبری سبز بر عملکرد تجاری شرکت‌ها عاملی است که برای ایجاد مکانیسم راهبری سبز خوب باید مورد توجه قرار گیرد (زنگ و شی، ۲۰۲۴).

راهبری سبز حوزه‌ای جدید است که بیش از پیش مورد توجه محققان قرار گرفته و به تدریج در کانون سیاست‌گذاری دولت‌ها قرار می‌گیرد. با این حال، توسعه راهبری سبز اغلب با تعریف نامشخص مسئولیت‌های موضوعات مختلف و تمایل به سرمایه‌گذاری کشورها، شرکت‌ها و افراد محدود می‌شود. در نتیجه، رویه فعلی راهبری سبز اغلب به تولید سبز، مدیریت سبز و زنجیره تأمین سبز محدود می‌شود. راهبری سبز مبتنی بر نوآوری باز عبارت است از شکستن مرزهای سازمانی، هماهنگ کردن رابطه بین موضوعات مختلف حاکمیتی، ایجاد مکانیسم هم‌افزایی بر اساس اعتماد و قرارداد و بررسی شیوه حاکمیتی نوآوری باز برای دستیابی به هدف توسعه پایدار انسان و طبیعت. ایجاد یک چارچوب مفهومی برای راهبری سبز چالش برانگیز است، زیرا مستلزم بکارگیری تئوری‌های مرتبط در راهبری سبز، شناسایی همه موضوعاتی است که بر راهبری سبز تأثیر می‌گذارند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند (لی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

<sup>1</sup> Zeng & Shi

<sup>2</sup> Li

تحقیقات موجود در مورد راهبری سبز نادر است و عموماً بر اساس نظریه اکولوژیکی است. تعریف راهبری سبز که توسط محققان ارائه شده است نیز به دلیل اهداف مختلف پژوهشی متفاوت است. این تعاریف را می توان به سه دسته تقسیم کرد. اولاً، راهبری همان مدیریت تلقی می شود. دینگ و یون<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) معتقد بودند که راهبری سبز مدیریت پایدار، استراتژیک و مشارکتی دولت در منابع طبیعی است. ثانیاً، راهبری معادل ساختار حاکمیتی است. پادیلها و ورسچور<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) اظهار داشتند که راهبری سبز شامل پنج ساختار است: اهداف مشترک، هنجارها، مشارکت، منابع و ارتباطات. ثالثاً، راهبری سبز به عنوان توسعه پایدار تعریف شده است. پست<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که راهبری سبز یک پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بلندمدت است.

اگرچه راهبری، یک مفهوم بین رشته‌ای است، اما درک محققان از مفهوم و ویژگی های «راهبری یا حاکمیتی» به طور کلی سازگار است. محققان نظر نسبتاً متفقی دارند که حکومت یک ترتیبات نهادی است که برای آشتی دادن تضادها بین ذینفعان استفاده می شود و در نتیجه آنها را تشویق می کند تا اقدامات مشترکی برای دستیابی به تصمیمات علمی اتخاذ کنند. بدیهی است هماهنگی، همکاری و تصمیم گیری علمی از ویژگی های اصلی حاکمیتی است. لی و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که راهبری اغلب دارای ویژگی های زیر است: (۱) راهبری یا حاکمیت با مدیریت متفاوت است و به جای کنترل مبتنی بر هماهنگی است. (۲) راهبری یا حاکمیت شامل ذینفعان مرتبط متعدد، از جمله بخش های خصوصی و دولتی و سازمان های اقتصادی است. (۳) حکومت بر تعادل منافع و تصمیم گیری علمی تأکید دارد. (۴) راهبری یا حاکمیت یک تعامل مستمر است و هدف آن حفظ تداوم رابطه است (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

واژه سبز تعاریف متعددی دارد. سبز نماد زندگی و رنگ زمینه طبیعت است. بنابراین، رنگ سبز اغلب برای اشاره به سیستم های اقتصادی، اجتماعی و محیطی استفاده می شود که می تواند بیشتر نشان دهنده رابطه بین انسان و طبیعت باشد. در حال حاضر عوامل شکنندگی زیر در رابطه بین انسان و طبیعت مشاهده می شود. اولاً، رابطه بین انسان و طبیعت نه یک محدودیت سخت است و نه یک قاعده بازی کاملاً مؤثر، زیرا دومی یک شرکت کننده غیرحرفه‌ای است. ویژگی های معمولی عامل اصلی منجر به وجود طیف وسیعی از فرصت طلبی انسانی می شود و نیازمند روش های مناسب برای سرکوب آن است. دوم اینکه سبز منصفانه ترین کالای عمومی است. یک محیط زیست خوب، پایه مادی مهمی برای بقا و توسعه انسان است. اگر محیط زیست بوم شناختی تخریب شود، تولید و زندگی انسان مستقیماً تحت تأثیر قرار می گیرد و در نتیجه مستلزم ساخت جامعه سرنوشت انسانی، تقویت همکاری های بین المللی و منطقه ای و امکان مشارکت سهامداران در «سبز» به شیوه ای عادلانه و معقول است (لی و همکاران، ۲۰۱۷). ثالثاً، اقدامات سبز دارای اثرات بیرونی قوی هستند که تمام موضوعات سیستم زیست محیطی اقتصادی-اجتماعی (به عنوان مثال، دولت، شرکت ها، سازمان های اجتماعی، عموم مردم و طبیعت) را درگیر می کند. این موضوعات در تصمیم گیری مستقل و غیرمتمرکز هستند. پیگیری به حداکثر رساندن منافع شخصی می تواند به راحتی منجر به تناقض بین رفتار ذینفعان و هدف کلی شود. بر این اساس، چنین پیگیری مستلزم هماهنگی منافع، خواسته ها و مسئولیت های ذینفعان مختلف است (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

تحلیل ذینفعان ابزار مؤثری برای بحث در مورد موضوعات راهبری سبز است. این ابزار می تواند به یک سری سؤالات در مورد مشارکت افراد حاکمیتی و نیروی محرکه و اثربخشی مشارکت پاسخ دهد. سازمان ها و گروه های اجتماعی مختلفی

<sup>1</sup> Dieng & Yvon

<sup>2</sup> Padilha & Verschore

<sup>3</sup> Padilha and Verschore

از جمله شرکت‌ها، دولت، سازمان‌های اجتماعی و مردم درگیر راهبری سبز هستند. این ذینفعان از طریق رابطه برابری، داوطلبانه، هماهنگی و همکاری بر راهبری سبز تأثیر می‌گذارند و موضوعات مشترکاً تحقق هدف راهبری سبز را ترویج می‌کنند. طبیعت به عنوان یکی از ذینفعان راهبری سبز نیز موضوع مهم راهبری است که عموماً توسط دولت یا موضوع ذینفعی که بیشترین سهم را در ارتقای توسعه پایدار دارد، نمایندگی می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان مواد خام و ارائه دهندگان مشاغل هستند. آنها به عنوان تولیدکنندگان محصولات عمده، موضوعات مهم و ذینفعان کلیدی در چارچوب راهبری سبز هستند. اگر شرکت‌ها در فرآیند بهره‌برداری از حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌وری منابع غفلت کنند، از سوی ذینفعان، مانند دولت‌ها، رقبای سهامداران و کارکنان تحت فشار قرار خواهند گرفت. فشار از طرف سهامداران عامل محرک برای شرکت‌ها برای ترویج فعال حاکمیت سبز است (دارنال<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

شرکت‌ها می‌توانند تأثیر منفی فعالیت‌های تجاری بر محیط‌زیست را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و مزیت رقابتی خود را با اجرای فعالیت‌های «بهترین شیوه‌ها» برای راهبری سبز افزایش دهند (هارت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). منابع جهانی به طور فزاینده‌ای کمیاب می‌شوند، در حالی که علم و فناوری هنوز به ارتفاعات جدیدی نرسیده‌اند، در نتیجه «شکستن مرزها و ادغام همه‌جانبه» تنها راه جامعه بشری برای تمرین توسعه پایدار شده است. هم استراتژی توسعه و هم استراتژی حفاظت از منابع و محیط زیست شرکت‌ها الزامات مشترکی برای بهبود کارایی استفاده از منابع دارند که زمینه را برای اجرای راهبری سبز فراهم می‌کند. اولاً، شرکت‌ها باید چارچوب راهبری شرکتی و سیستم مدیریت مبتنی بر دیدگاه راهبری سبز را بهبود بخشند تا اطمینان حاصل شود که هیچ آسیبی به محیط زیست در تمام جنبه‌های تولید و عملیات شرکت وارد نمی‌شود. به عنوان مثال، هیئت مدیره می‌تواند یک کمیته حرفه‌ای راهبری سبز را برای نظارت و کنترل موثر رفتار راهبری سبز ایجاد کند. ثانیاً، شرکت‌ها باید مسئولیت راهبری سبز و تعهدات کارکنان را در همه سطوح در توسعه استراتژیک شرکت تعریف کنند، مکانیسم تشویق حقوق و مکانیسم ارتقاء را برای بهبود مزیت رقابتی زیست‌محیطی ایجاد کنند و همه را به مشارکت ابتکاری و مؤثر در حاکمیت محیطی تشویق کنند. بنگاه‌های ثالث باید توسعه پایدار را در تمامی جنبه‌های تولید و بهره‌برداری از جمله فرآیند تولید، ساختار سازمانی، فرآیند تصمیم‌گیری و حاکمیت پایانه با هدف کاهش اثرات زیست‌محیطی تولید و افزایش ارزش شرکت‌ها و مشتریان هدف قرار دهند. چهارم، شرکت‌ها باید به طور فعال راه حل تعارضات زیست‌محیطی را بررسی کنند و به دنبال همکاری اکولوژیکی برای دستیابی به توزیع مجدد منابع طبیعی بین سازمان‌ها از طریق مبادله مواد، انرژی و دانش، سرمایه یا منابع فنی باشند (چرتو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

راهبری شرکتی سبز به عنوان یک عنصر کلیدی در دستیابی به بسیاری از این اهداف، به ویژه اهداف مرتبط با پایداری محیطی، شناخته می‌شود. این مفهوم شامل ادغام نگرانی‌های زیست‌محیطی در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در تمام سطوح دولت، از محلی گرفته تا ملی و بین‌المللی، است. همچنین، شامل اقداماتی برای کاهش آلودگی، حفظ تنوع زیستی، ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی است. بنابراین، حکمرانی سبز به عنوان یک سیستم حاکمیتی در نظر گرفته می‌شود که تأثیرات اکولوژیکی فعالیت‌های انسانی را در نظر می‌گیرد و هدف آن تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی است (روزبه و همکاران، ۱۴۰۳).

<sup>1</sup> Darnall

<sup>2</sup> Hart

<sup>3</sup> Chertow

دولت به عنوان ذینفع دیگری در راهبری شرکتی عنوان می‌شود. دولت از موقعیت مسلط و اقتدار سیاسی خود برای اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی برای انجام مدیریت یک طرفه و اجباری برای مدیریت امور عمومی استفاده می‌کند. با توجه به افزایش پیچیدگی و ناگهانی امور عمومی، رفتار دولت به تدریج از فرماندهی و کنترل به هدایت و مذاکره تغییر کرده است. در این حالت، دولت وظایف رهبری و استراتژیک خود را برای تضمین هماهنگی اجتماعی و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. از منظر نوآوری باز، رهبری دولت و عملکرد استراتژیک عمدتاً در ارائه سیاست‌ها در راهبری سبز تجسم می‌یابد. اولاً، دولت باید ساختارهای سازمانی و سیستم توزیع حقوق و مسئولیت‌ها را ایجاد و بهبود بخشد که با اهداف راهبری سبز سازگار باشد و ایده‌ها، چشم‌انداز، اهداف و اولویت‌های دولت در شیوه‌های راهبری سبز و حتی برنامه‌ریزی استراتژیک مرتبط با سهامداران عمومی را با مردم به اشتراک بگذارد. ثانیاً، دولت باید سیاست‌های دوستدار محیط زیست را ترویج کند (مثلاً طراحی و تدوین قوانین و مقررات مربوطه راهبری سبز که با وضعیت محیط زیست در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سازگار باشد). ثالثاً، دولت باید بسترها، استانداردها و سیستم‌های مربوطه را فراهم کند. برای سایر موضوعات حاکمیتی در فعالیت‌های راهبری سبز، برای محافظت از حقوق مشروع شرکت‌کنندگان در راهبری سبز و حفاظت از انتشار و تحول فناوری‌های سبز. مطالعات اخیر نشان داده است که نقش فعال دولت می‌تواند به طور موثر از گسترش آلودگی آب در حکمرانی سبز جلوگیری کند (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

کان و ژنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که آلودگی آب در مناطق مرزی استان‌هایی که مقررات سیاستی جدید را رعایت کرده و قوانین را تغییر داده اند، آلودگی آب را به درجات مختلف کاهش داده است. جیانگ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) به این نتیجه رسیدند که مشارکت شرکتی در راهبری سبز و عملکرد راهبری سبز بالاتر می‌تواند شناخت سرمایه‌گذاران سبز را به دست آورد و آنها را افزایش دهد. یو<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که همکاری هم افزایی بین منطقه ای، مزایای تکمیلی و اشتراک منابع به افزایش ظرفیت کلی راهبری سبز، بهبود استفاده از منابع راهبری سبز و دستیابی به افزایش هم افزایی کارایی راهبری سبز در میان چهار نوع شهر از طریق بین منطقه‌ای کمک می‌کند. کuo<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۵) استدلال کرد که مدیران باید به طور فعال علامت‌های راهبری سبز را افشا کنند تا از عدم تقارن اطلاعاتی که منجر به انتخاب نامطلوب می‌شود، جلوگیری کنند، بنابراین هزینه‌های تأمین مالی را بیشتر کاهش دهند.

### ۳-۲- راهبری شرکتی از دیدگاه اسلام

اسلام، بزرگترین دین جهان، همه جنبه‌های زندگی بشر را هدایت می‌کند. مسلمان کسی است که تسلیم خدا باشد و از دین اسلام پیروی کند. مسلمانان بر این باورند که اسلام یک کد کامل از زندگی را در بر می‌گیرد که به تمام جنبه‌های زندگی می‌پردازد. اسلام کد رفتاری کاملی را ارائه می‌دهد که تمام جنبه‌های زندگی از جمله مسئولیت اجتماعی و راهبری را در بر می‌گیرد. این یکی از مفاهیم اصلی در آموزه‌های اسلامی تلقی می‌شود و هر مؤسسه‌ای از جمله شرکت‌ها و بانک‌های اسلامی که مدعی پایبندی به اصول شریعت است، باید به طور طبیعی اجرا کند (حسنین و ثروت<sup>۵</sup>، ۲۰۲۴).

ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی

<sup>1</sup> Kahn & Zheng

<sup>2</sup> Jiang

<sup>3</sup> Yu

<sup>4</sup> Kuo

<sup>5</sup> Hassaneina & Tharwat

را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰). خداوند در قرآن، از آفرینش انسان به عنوان خلیفه خود یاد کرده (سوره بقره، ۳۰) و آدمی را به خاطر برخورداری از چنین مقامی به عنوان برترین آفریده معرفی می‌کند (سوره مؤمن، ۱۴). نامه ۲۶ امام علی (ع) در ارتباط با امانتداری انسان و نحوه تعامل با این وظیفه است که می‌فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، در قیامت هم خوارتر و رسواتر خواهد بود. مدیریت در اسلام به منزله سپردن امانتی بسیار سنگین به مدیر است که باید آن را حفظ کند و خیانت در آن، خیانت در امانت تلقی شده است. از طرف دیگر، نظارت بر فعالیت‌های مالی در جهت حلال نیز در نگرش اقتصادی اسلام همواره در کانون توجه قرار داشته است؛ همانند ربا، قمار، معاملات حرام و موارد متعدد دیگر که در اقتصاد غیراسلامی و راهبری شرکتی رایج به آن بی‌توجهی شده است. تفکر اسلامی غیر از سود و یا زیان بحث فلاح و خسران نیز مطرح است؛ بحثی که در الگوهای بین‌المللی راهبری شرکتی مورد بی‌مهری قرار گرفته و از منظر اقتصاد اسلامی اهمیتی به مراتب بیشتر از کسب سود و یا حداکثر نمودن ثروت سهامداران دارد.

بر خلاف دیدگاه غربی، نگرش اسلامی نسبت به مسئولیت اجتماعی و راهبری، رویکرد جامع‌تری اتخاذ می‌کند. اصول اسلامی برگرفته از آموزه‌های قرآن و اعمال حضرت محمد ﷺ چارچوبی فلسفی برای تعامل با انسان‌ها و محیط اطرافشان فراهم می‌کند (حسنین و ثروت، ۲۰۲۴). راهبری شرکتی در اسلام و غرب، نقش بسیار حیاتی در راستای تأمین اهداف خاص شرکت‌ها ایفا می‌کند. در حقیقت اسلام ارزش‌های آتی را از طریق تأکید بر عنصر شریعت که در مفاهیم غربی یافت نمی‌شود، افزایش می‌دهد. مفهوم راهبری شرکتی از دیدگاه اسلامی با تعریف مرسوم آن تفاوت زیادی نداشته و در نمونه اسلامی، ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایزی را در مقایسه با سیستم‌های رایج بین‌المللی ارائه می‌کند؛ به نحوی که به موردی خاص از یک نظریه وسیع‌تر تصمیم‌گیری اشاره دارد که از مفروضات اجتماعی علمی آموزه‌های اسلامی که بر مبنای وحدانیت خداوند بنا شده، بهره می‌برد. در خصوص خدمات مالی، هدف غایی راهبری شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت و پاسخگویی بیشتر شامل شده و در دیدگاهی وسیع، غالباً تمامی اشخاصی را در بر می‌گیرد که به نحوی با شرکت در ارتباطند. از این‌رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخگویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است. در خصوص ساختار و اساس نظام و مدل راهبری شرکتی در مبانی اسلامی تحقیقات بسیار محدود بوده و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند؛ لذا مشاهده می‌گردد که هدف اصلی در شرکت‌های اسلامی ایجاد حداکثرسازی سود سهامداران است، در حالیکه برای راهبری شرکتی رهنمودهای بیشتر و وسیع‌تری وجود دارد و همچنین وظایف و شیوه‌های موجود را در خصوص شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان در بر می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰).

مفهوم راهبری شرکتی سبز از دیدگاه اسلام با تعریف سنتی آن که اشاره به نظامی دارد که توسط آن، شرکت‌ها با قصد دستیابی به هدف‌های شرکت از طریق حفاظت از تمامی حقوق و منافع ذینفعان هدایت و کنترل می‌شود، تفاوت زیادی ندارد. حاکمیت شرکتی سبز اسلامی به صورت منحصر به فردی و ویژگی‌های ممتازی در مقایسه با نظام سنتی ارائه می‌کند. این الگو به یک تئوری تصمیم‌گیری وسیع‌تر اشاره دارد که از اساس معرفت‌شناسی اجتماعی - علمی اسلامی استفاده می‌نماید و در آن یکتایی خداوند مفروض است. اسلام در روش معرفتی، عقلانیت و خردگرایی را به عنوان معرفت

راهبری شرکتهای شرعی رد کرده و معرفت توحید یا وحدانیت الله را جایگزین آن کرده است. ماهیت مدیریت الگوی راهبری شرکتهای اسلامی مبتنی بر دو اصل اساسی است، یک: فرآیند تعاملی، یکپارچه و تکاملی و سطح اوج مدیریت، هیئت شرعی است که مسئولیت آن را بر عهده دارد. دوم: نظارت بر فعالیت‌های کلی شرکت برای رعایت موازین شرعی (حسین و ثروت، ۲۰۲۴).

امور مالی اسلامی، که عمیقاً در اصول شریعت ریشه دارد، ذاتاً سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی را که شامل عدم اطمینان، قمار و ربا است، ممنوع می‌کند. در نتیجه، مالی اسلامی به طور طبیعی ملاحظات اخلاقی و اجتماعی را در فلسفه اصلی خود گنجانده است، و بر اهمیت انتخاب‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی در چارچوب مالی اسلامی تأکید می‌کند. ادغام عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتهای در امور مالی و سرمایه‌گذاری اسلامی نشان دهنده یک توسعه معاصر و در حال تحول است. محمد<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) کاوشی در مورد سازگاری بین معیارهای عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتهای و اصول مالی اسلامی انجام دادند و اظهار داشتند که گنجاندن عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتهای می‌تواند پایه اخلاقی مالی اسلامی را تقویت کند. تحقیقات آنها بر ضرورت دستورالعمل‌های استاندارد که بر انطباق عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتهای در حوزه مالی اسلامی حاکم است، تأکید می‌کند. این تأکید بر استانداردسازی نشان‌دهنده این شناخت فزاینده است که زیربنای اخلاقی سرمایه‌گذاری‌های مالی اسلامی نباید به ابهام رها شود، بلکه باید از طریق معیارهای ملموس و پذیرفته‌شده جهانی تعریف شود (واهب<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۴).

عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسان‌هاست و همه انسان‌ها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچکس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند. در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می‌کند. در آیه ۶۰ سوره نمل نیز خداوند می‌فرماید: «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتِ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُم أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ» «کیست که آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ و از آسمان برای شما آب فرستاد، پس به وسیله‌ی آن، باغ‌هایی بهجت‌انگیز رویانید؛ کار شما نبود که درختانش را برویانید، آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه آنان قومی منحرفند». همچنین در آیه ۵ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» «و دام‌ها را که برای شما در آنها [وسیله] گرمی و سودهاست آفرید، و از [محصولات لبنی و گوشتی] شان می‌خورید». در آیه ۸۷ سوره مائده خداوند فرموده است: «... لَّا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» «از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد» و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست با محیط زیست دارند از رحمت خداوند محروم خواهند بود. همچنین در آیه ۲۷ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «... وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» «و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند» پس هر کسی که در زمین فساد می‌کند و ضرر می‌زند، خودش زیانکار خواهد شد. به طور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه دینی تلقی می‌شود.

<sup>1</sup> Mohammed

<sup>2</sup> Wahab

### ۳- مبانی تجربی پژوهش

حسین و ثروت (۲۰۲۴) به پژوهشی تحت عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت: دیدگاهی مطابق با شریعت اسلامی» پرداختند و به مروری جامع در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت با تمرکز صریح بر دیدگاه اسلامی مسئولیت اجتماعی شرکت، مدل‌های اسلامی مسئولیت اجتماعی شرکت، شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در بانک‌های سنتی و اسلامی و پیامدهای مسئولیت اجتماعی شرکت برای بانک‌های اسلامی ارائه می‌کند. واهب و همکاران (۲۰۲۴) به پژوهشی تحت عنوان «تدوین معیارهای سرمایه‌گذاری اسلامی-پایدار و مسئولانه بر اساس مفهوم زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی» پرداختند و نشان دادند که هیچ تناقض آشکاری با فلسفه اسلامی در معیارهای موجود زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی وجود ندارد، به استثنای چهار معیار، یعنی ترویج حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی سانسور و آزادی تشکل تحت معیارهای اجتماعی. این چهار معیار موجود با آموزه‌های اسلامی مطابقت ندارند و با معیارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اسلامی مناسب نیستند. پوسپیتاساری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳) به پژوهشی تحت عنوان «راهبری اسلامی و اهرم: نقش متقابل افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» پرداختند و نشان دادند راهبری اسلامی تأثیر مثبت معناداری بر اهرم داشته است که نشان می‌دهد می‌تواند اهرم بانک‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. محمد و همکاران (۲۰۱۹) به پژوهشی تحت عنوان «نیاز به استانداردهای حسابداری اسلامی: تجربه مؤسسات مالی اسلامی مالزی» پرداختند و کاوشی در مورد سازگاری بین معیارهای عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی و اصول مالی اسلامی انجام دادند و اظهار داشتند که گنجاندن عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی می‌تواند پایه اخلاقی مالی اسلامی را تقویت کند. تحقیقات آنها بر ضرورت دستورالعمل‌های استاندارد که بر انطباق عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی در حوزه مالی اسلامی حاکم است، تأکید می‌کند.

روزبه و همکاران (۱۴۰۳) به پژوهشی تحت عنوان «طراحی الگوی حکمرانی سبز با رویکرد توسعه پایدار در نظام سلامت مبتنی بر تکنیک دلفی فازی» پرداختند و نشان دادند که ابعاد زیست محیطی، حاکمیتی و اجتماعی، مهم‌ترین بسترهای لازم برای حکمرانی سبز در نظام سلامت می‌باشد. بُعد زیست محیطی شامل مؤلفه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش منابع، محصولات سازگار با محیط زیست، تلفات طبیعی، انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی و زباله می‌باشد. بُعد اجتماعی شامل مؤلفه‌های بهداشت و ایمنی، مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، حقوق بشر، مدیریت منابع انسانی، رضایت بیماران و روابط جامعه است. همچنین، بُعد حاکمیتی شامل مؤلفه‌های حقوق سهامداران، حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و فرصت و اخلاق در تجارت می‌باشد. عباسی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی تحت عنوان «الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی» پرداختند و دریافتند که اثرگذاری ابعاد تعهد اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت و تصمیم‌گیری است که در صورت رعایت اصول اخلاقی مورد نظر با استفاده از نظارت اسلامی، اهداف حاکمیت شرکتی بهینه و مطلوب را تضمین می‌کند. حبیبی (۱۴۰۰) به پژوهشی تحت عنوان «بررسی جایگاه زیست محیطی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل» پرداخت و بیان داشت که آموزه‌های دین مبین اسلام در توجه به محیط زیست از دیر باز بوده است، با بصیرت در آیات قرآن توجه به محیط زیست را به خوبی می‌توان در این دین دریافت کرد. می‌توان دید که متون دینی و قرآن کریم تلاش دارند محیط زیست حمایت و حفظ شود و بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت رسیدن به کمال مدنظر اسلام است.

<sup>۱</sup> Puspitasari

#### ۴- نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست. ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین است و علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، اسلامی و دینی است. از دیگر سو نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند ربا، قمار، معاملات حرام که در نظام راهبری شرکتی غربی مرسوم است. در جهان‌بینی اسلامی در خصوص خدمات مالی، هدف غایی راهبری شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت اطلاعاتی و پاسخگویی بیشتر، رعایت اصول اخلاقی همچون انصاف و عدالت و رسیدن به سود منطقی با توجه به وضعیت دیگران شامل می‌شود؛ لذا میتوان نتیجه گرفت که قوانین و مبانی اسلامی برای راهبری شرکتی سبز، راهنمایی‌هایی بیشتر و کامل‌تری را معرفی می‌کند و همچنین تکالیف و روش‌های موجود را در مورد شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان به صورتی کامل پوشش می‌دهد. از این جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی پیشرفته در اقتصاد اسلامی نیازمند تعریف مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلام‌محور است که توانایی جهت‌دهی به شرکت‌ها و تعیین استراتژی و خط‌مشی را داشته باشد.

محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است و مطابق منابع معتبر اسلامی حق انسان‌ها در داشتن محیط زیستی امن و سالم، به عنوان یک حق بشری در کنار سایر حقوق شناخته شده است. به طوری که اسلام به عنوان یک دین کامل نقش حمایت‌کننده از محیط‌زیست داشته است و قرآن و روایات در این زمینه به تفصیل به محیط زیست پرداخته‌اند. مضافاً اینکه می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد. از سوی دیگر در لسان فقهی نیز مبانی حاکم بر قواعدی همچون اصل لاضرر و قاعده اتلاف بیانگر این نکته است که بسیاری از قواعد فقهی به اهمیت محیط زیست تأکید داشته‌اند.

با توجه به مباحث پرداخته شده در متن، پیشنهادهای آتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

انجام پژوهش در ارتباط با استاندارد‌گذاری در زمینه امور مالی و حسابداری و نیز حسابرسی بر اساس مبانی اسلامی یکی از مباحثی است که موضوع پی‌ریزی راهبری شرکتی سبز اسلامی در اقتصاد کشورهای اسلامی را با چالش مواجه می‌نماید؛ از این رو بررسی و پژوهش در خصوص چالش‌های پیش روی پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی اسلامی یکی از اصلی‌ترین مباحث و شاید مانعی برای اجرایی نمودن آن باشد که به پژوهشگران توصیه می‌گردد.

بررسی چگونگی جلب اعتماد عمومی جامعه اسلامی نسبت به رعایت الزامات راهبری شرکتی سبز با محوریت قوانین اسلامی و نظارت و حسابرسی شرعی از دیگر مواردی است که می‌تواند در اجرایی نمودن حاکمیت شرکتی اسلامی کمک شایان توجهی بنماید و نگرش سهامداران و مدیران شرکت‌ها را نسبت به خطر از دست دادن منافع آگاه نموده و حتی نوید کسب منفعت بیشتر را منتشر نماید.

#### منابع و مآخذ

حبیبی، علی فقیه. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه زیست محیطی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۱، ۱۳۳-۱۵۲.

- روزبه، زهرا؛ مداحیان، شیوا و نیک‌پور، امین. (۱۴۰۳). طراحی الگوی حکمرانی سبز با رویکرد توسعه پایدار در نظام سلامت مبتنی بر تکنیک دلفی فازی، مطالعات مدیریت و توسعه پایدار، سال ۴، شماره ۱، ۱۳۹-۱۵۱.
- عباسی، یونس؛ جمشیدی نوید، بابک؛ قنبری، مهرداد و نمایان، فرشید. (۱۴۰۰). الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال ۲۱، شماره ۸۴، ۷۳-۱۰۴.
- Barney, J. B., & Harrison, J. S. (2020). Stakeholder Theory at the Crossroads. *Business and Society*, 59(2). <https://doi.org/10.1177/0007650318796792>
- Chertow, M.R. (2000). Industrial symbiosis: Literature and taxonomy. *Annu. Rev. Energy Environ.* Vol. 25, 313–337.
- Dieng, B. Yvon, P. (2017). On ‘Green Governance’. *Int. J. Sustain. Dev.* Vol. 20, 111.
- Darnall, N.; Henriques, I.; Sadorsky, P. (2010). Adopting proactive environmental strategy: The influence of stakeholders and firm size. *J. Manag. Stud.* Vol. 47, 1072–1094.
- European Commission. (2021). *The European Green Deal*. [https://ec.europa.eu/info/strategy/priorities-2019-2024/european-green-deal\\_en](https://ec.europa.eu/info/strategy/priorities-2019-2024/european-green-deal_en)
- Freeman, R. E., Wicks, A. C., & Parmar, B. (2004). Stakeholder theory and The corporate objective revisited. *Organization Science*, 15(3). <https://doi.org/10.1287/orsc.1040.0066>.
- Global Environmental Facility. (2022). *About the GEF*. <https://www.thegef.org/about-gef>
- Hart, S.L.(1995). A natural-resource-based view of the firm. *Acad. Manag. Rev.* Vol. 20, 986–1014.
- Hassanein. A, and Tharwat. H,. (2024). Corporate Social Responsibility: An Islamic Shari’ah-Compliant Perspective. *The Emerald Handbook of Ethical Finance and Corporate Social Responsibility*, 397–416.
- Harrison, J. S., Freeman, R. E., & de Abreu, M. C. S. (2015). Stakeholder theory as an ethical approach to effective management: Applying the theory to multiple contexts. *Revista Brasileira de Gestao de Negocios*, 17(55), 858–869. <https://doi.org/10.7819/rbgn.v17i55.2647>
- Jiang, G.S., Lu, J.C. and Li, W.A. (2021) Do Green Investors Work? An Empirical Study of Corporate Participation in Green Governance. *Financial Research*, 117-134.
- Kahn, M.E.; Zheng, S.Q. (2016). The Rise of China’s Green Cities: Economic Growth and the Environment; *China CITIC Publishing Group*: Beijing, China.
- Kuo, L.P., Yu, H.-C. and Chang, B.-G. (2015) The Signals of Green Governance Onmitigation of Climate Change—Evidence from Chinese Firms. *International Journal of Climate Change Strategies and Management*. Vol. 7, 154-171.
- Li,W.A.; Li, Y.J.; Shi, D. (2016). Theoretical research on supply chain governance: Concept, intention, and normative analysis framework. *Nankai Bus. Rev.* Vol. 19, 4–15.
- Li,W.A.; Xu, J.; Jiang, G.S. (2017). Global green governance principle: Realization of the inclusive development of human and nature. *Nankai Bus. Rev.* Vol. 20, 23–28.
- Li,W.; Xu, J.; Zheng, M. (2018). Green Governance: New Perspective from Open Innovation. *Sustainability*. Vol.10, 3845; doi:10.3390/su10113845
- Liu, F., Lai, K. H., Wu, J., & Duan, W. (2021). Listening to online reviews: a mixed-methods investigation of customer experience in the sharing economy. *Decision Support Systems*, 149, 113609. <https://doi.org/10.1016/j.dss.2021.113609>.
- Mohammed, N.F., Fahmi, F.M. and Ahmad, A.E. (2019). The need for Islamic accounting standards: the Malaysian Islamic financial institutions experience, *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 10 (1), 115-133.
- Padilha, L.G.D.O.; Verschoore, J.R.D.S. (2013). Green governance: A proposal for collective governance constructs towards local sustainable development. *Ambient. Soc.* Vol. 16, 153–174.
- Post, C.; Rahman, N.; Rubow, E. (2011). Green governance: Boards of directors’ composition and environmental corporate social responsibility. *Bus. Soc.* Vol. 50, 189–223.

- Puspitasari, N, Harymawan, I, and Aziz, N. A., (2023). Islamic governance and leverage: the interacting role of corporate social responsibility disclosure. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. Vol. 15 (6).
- Rana, S., & Paul, S. (2016). Green governance for sustainable development: issues and challenges. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 23(1), 57-64.
- Thi. A. H. V, and Phung. T. D., 2022. Capital Structure, Working Capital, and Governance Quality Affect the Financial Performance of Small and Medium Enterprises in Taiwan. *Journal of Risk and Financial Management*. Vol. 14,: 1-13.
- United Nations Development Programme. (2021). *Goal 3: Good health and well-being*. <https://www.undp.org/sustainable-development-goals>
- Wahab, M.Z.B.H., Mohamed Naim, A. and Abu Hassan, M.H. (2024). Developing Islamic-sustainable and responsible investment (i-SRI) criteria based on the environmental, social and governance (ESG) concept. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIABR-12-2021-0311>
- Younas, A., (2022). Review of Corporate Governance Theories. *European Journal of Business and Management Research*. Vol. 7 (6),: 79-83.
- Yu, L.Y., LIU, H.L. and Chen, Z.X. (2021) Measurement and Analysis of Green Governance Efficiency in the Yangtze River Economic Belt—Based on Generalized Panel Three-Stage DEA Model. *East China Economic Management* , Vol. 35, 88-99.
- Yusoff, W. F. W., & Alhaji, I. A. (2014). Insight of Corporate Governance Theories. *Journal of Business & Management*, 1(1), 52– 63. <https://doi.org/10.12735/jbm.v1i1p52>.
- Zeng, X, and Shi, J., (2024). Research on Enterprise Green Governance Mechanism and Role Effect. *Research on Enterprise Green Governance Mechanism and Role Effect*. *Open Access Library Journal*, 11:e11193. <https://doi.org/10.4236/oalib.1111193>

## Green Corporate Governance with an Islamic Approach

Mitra Pourmohammadian \*1

---

### Abstract

The Green corporate governance includes measures to reduce pollution, preserve biodiversity, promote renewable energy, and combat climate change. Therefore, green corporate governance is considered as a governance system that considers the ecological impacts of human activities and aims to ensure the sustainable use of natural resources. The concept of green corporate governance from an Islamic perspective is not much different from its traditional definition, which refers to a system by which companies are directed and controlled with the aim of achieving corporate goals by protecting all the rights and interests of stakeholders. Islamic green corporate governance uniquely presents distinct features compared to the traditional system. This model refers to a broader decision-making theory that draws on the basis of Islamic socio-scientific epistemology, in which the oneness of God is assumed. In its epistemological method, Islam has rejected rationality and rationalism as the knowledge of Sharia corporate governance and has replaced it with the knowledge of monotheism or the oneness of God.

### Keywords

Corporate Governance, Green Corporate Governance, Environment, Islamic Approach.

---